



بیانات در جمع مردم استان های چهار محال و بختیاری، اصفهان، یزد و فومن - 8 شهریور / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از همه ی شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف کشور و راههای دور تشریف آوردید - چه از استان عشایری سلحشور و فداکار چهارمحال و بختیاری و چه از شهرهای اصفهان و یزد و فومن - و همچنین از برادران جوان و پرشور پاکستانی صمیمانه تشکر می‌کنم. خداوند ان شاء الله خیر و رحمت و فضل خود را بر همه ی شما نازل کند و ما را مشمول هدایت و رحمت خود قرار بدهد.

این روزها به مناسبت شهادت دو نفر از چهره‌های برجسته‌ی نظام جمهوری اسلامی در هشت سال قبل، روزهای خاطره‌انگیزی است. یک مسأله، خود آن مصیبت و حادثه‌ی تلخ و تحلیل آن است که چه شد در هشتم شهریور سال شصت، این مصیبت بزرگ اتفاق افتاد و چه کسانی این جنایت را مرتکب شدند و چه دشمنی‌یی با این دو چهره‌ی مؤمن و فداکار داشتند؟ البته، در این هشت سال، همه در این باره حرف زده‌اند و خود شما مردم، آن دستهای جنایتکار و چهره‌های سیاه و زشت را - که لعنت مردم شامل حال آنها شد - خیلی خوب می‌شناسید. لعنت، یعنی طرد و محروم کردن از محبت و عاطفه. وقتی می‌گوییم لعنت خدا و ملائکه و مردم بر فلان کافر یا منافق، معنایش این است که آن کافر یا منافق، از درگاه و رحمت خدا و حمایت و دعای فرشتگان و محبت مردم، مطرود می‌شود. مردم، چهره‌های پلید و زشت را طرد می‌کنند و لذا دیدید که بعد از حادثه‌ی هفتم تیرماه سال شصت و حادثه‌ی هشتم شهریور همان سال، منافقین مطرود و ملعون شدند. یکایک بندگان صالح و مؤمن خدا در این سرزمین و مردم نقاط دیگر دنیا که از این قضایا بدرستی مطلع شدند، آنها را نفرین کردند و بدانها لعنت فرستادند و بکلی از حوزه‌ی محبت و احساسات خود راندند.

البته این نکته را هم در این جا مطرح کنم که مردم نباید هیچ‌وقت کینه‌ی شیطانها و شیطان‌صفتان را از دل خود بیرون کنند. نگویید حالا گذشت و تمام شد و چه لزومی دارد که دیگر به یادمان آوریم. نه، دین ما این است: "هل الدین الا الحب والبغض". دین، عبارت از محبت و کینه است: از یک طرف، محبت به خوبان و خوبیها و مظلومان و انسانهایی که مورد جفای شیطانها قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر بغض و کینه نسبت به شیطانها و موجودات پلید و پلیدیها و کسانی که برای آنها، انسان و انسانیت و خدا، حرف مفت است. این هم جزو دین است. تولی و تبری، جزو فروع دین و به قول بعضی از علما، جزو اصول دین است. زشت‌صورتی دشمنان خدا و خلق را فراموش نکنید. اگر فراموش کردید، همان دشمن، چهره‌ی خودش را عوض خواهد کرد و نزدیک می‌شود. دشمن که نزدیک شد، برای ضربه زدن نزدیک می‌شود. دشمن که برای نوازش نزدیک نمی‌شود.

این که شما می‌بینید گاهی دشمنان ما - چه دشمنان شناخته شده، مثل مستکبران عالم و قلدرهای روزگار و چه دشمنان شناخته نشده که خطرشان بیشتر است - چهره‌ی خوب نشان می‌دهند و مثل مار خوش خط و خال به صورت فریبنده به طرف انسان می‌آیند، اظهار محبت می‌کنند و می‌گویند بیایید با هم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است. حواستان جمع باشد. نباید کینه‌ی دشمن از دلتان خارج شود.

وقتی که دشمن می‌گوییم، منظور ما دشمنی نیست که برای یک شاهی صنار دنیا دشمنی کند - که اینها دشمنی نیست - و نه دشمنی برای اختلاف سلیقه و اختلاف نظر - که اینها خیالات است - و نه دشمنی برای امور دنیوی و مادی - که ممنوع و مطرود است - دشمن، یعنی آن شیطان و شیطان‌صفتی که با خوبیها و فضیلتها و بندگان صالح و صلاح و خدای صلاح‌آفرین، مخالف و دشمن است. این، آن دشمن اصلی است.

نباید کینه‌ی این دشمن از دلتان خارج بشود. اگر احساس کردید که نسبت به این دشمن، در دلتان بغض و کینه کم شد، این یک علامت خطر شخصی برای شماست؛ باید احساس کنید مثل این که درجه‌ی ایمان در حال تنزل



است. عینا مثل محبت بندگان خدا که باید روزبه‌روز در دل قویتر و ریشه‌دارتر بشود. اگر به شیطان کینه و دشمنی نورزید، او می‌آید و راه شما به طرف خدا را سد خواهد کرد. این چیزی است که دیگر قابل جبران نیست. بنابراین، نسبت به اصل و تحلیل حادثه و آن سیاه‌روهایی که این حادثه را راه انداختند، باید آحاد مردم از کوچک و بزرگ، بغض و کینه داشته باشند و آن را به یکدیگر نیز توصیه کنند.

این حادثه، یک روی دیگر هم داشت. آن روی دیگر، عبارت از قوت و قدرت ایمان ملت ما بود که عظمت حادثه، تحت‌الشعاع قوت آنها قرار گرفت. این، چیز بسیار با اهمیتی بود و امام بزرگوار ما (قدس‌الله‌نفسه‌ورضوان‌الله‌تعالی‌علیه) - آن مردی که با زبان پیامبران حرف می‌زد و از قلب پیامبران الهام می‌گرفت و حقایق را با چشم آنها می‌دید - روی این نکته تکیه کرد.

معمولا اگر رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر یا وزیر یک کشور، مورد تهاجم موفق دشمن قرار بگیرد، یک ضربه برای آن کشور محسوب می‌شود و او را تکان می‌دهد و یک مقدار تزلزل ایجاد می‌کند؛ ولی در کشور ما، این حادثه اتفاق افتاد و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، در آتش بغض و کینه‌ی پلید دشمنان سیاه‌رو با هم سوختند و نه فقط در مردم ضعف ایجاد نکرد؛ بلکه آنها را نیز قویتر و مصمتر کرد. این، آن نقطه‌ی اصلی است.

چون ایمان مردم قوی بود، تکان نخوردند و چون تکان نخوردند و ضعیف نشدند، توقف نکردند و توانستند راه را ادامه بدهند و چون راه را ادامه دادند و متوقف نشدند، دشمن پشت دروازه باقی ماند. دشمن، منتظر بود که مردم دچار ضعف و فتوری بشوند و سپس او وارد بشود. وقتی که دید این‌طور نیست و مردم مبارزه و حرکت و جنگ و سازندگی را با قوت ادامه می‌دهند، متحیر ماند و احساس شکست کرد.

برادران و خواهران عزیز، جوانان غیور و سلحشور، خانواده‌های شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودان، روحانیون محترم و صاحبان فکر و اندیشه و مسؤولیت و قشرهای مختلف! تا لحظه‌ی که این ملت، آن احساس قدرت را داشته باشد، بر همه‌ی موانع و مشکلات فایق خواهد آمد و پیروز خواهد شد. بدانید که شما قوی هستید. دشمن با وسوسه‌های خود، مبادا دل‌های افراد متوسط و ضعیف را بلرزاند. دشمن ضعیف است، نه ما. دلیلش هم، همین چیزی است که مشاهده می‌کنید.

اگر شما ملت، بعد از رحلت جانگداز و مصیبت‌بار امام (ره) - که حادثه‌ی خیلی عظیمی بود - قوی نبودید، زانوان شما می‌لرزید و از ادامه‌ی راه باز می‌ماندید؛ ولی دیدید که زانوان شما نلرزید. این، نشانه‌ی زنده بودن ملت ماست که از حادثه‌ی رحلت امام - که همه‌ی دنیا تصور می‌کردند مردم را ضعیف خواهد کرد - برای قوی‌تر شدن استفاده کرد. این، حیات یک ملت را نشان می‌دهد. یک ملت زنده، یعنی همین. یعنی از چیزی که همه‌ی دنیا خیال می‌کنند وسیله‌ی ضعف اوست، وسیله‌ی قوت خود را می‌سازد.

بعد از رحلت امام، قضاوت دنیا در مورد شما مردم، ستایش‌آمیزتر شد و فهمیدند که این ملت، ملت قوی‌یی است. قوت شما به خاطر ایمان و اتحادتان است؛ چون به خدا مؤمنید و اتحاد کلمه دارید. این اتحاد کلمه را حفظ و این ایمان را روزبه‌روز در خودتان قوی کنید. این، راز حل تمام مشکلات است. اگر ایمان به خدا و خودتان و مسؤولان و نیز ایمان به موفقیت و هدف، روزبه‌روز در قلب شما قوی‌تر شد و این وحدت کلمه‌ی را هم که بحمدالله دارید، حفظ کنید و نگذارید دشمن آن را به هم بزند؛ تمام مشکلات - چه مشکلاتی که امروز مردم ما به آنها توجه دارند (مثل کمبود و گرانی) و چه مشکلاتی که به آنها توجه ندارند یا کمتر توجه دارند (مثل مشکلات اخلاقی و فرهنگی و بی‌سوادی و ...) - برطرف خواهد شد.

ملاحظه کردید که بحمدالله با اراده‌ی شما، دولت قوی و بانشاط و کارآمدی تشکیل شد. البته، در این جا هم رادیوهای بیگانه و دست‌های دشمن، خیلی شیطنت کردند تا شاید بتوانند مانع تشکیل این دولت بشوند و با تبلیغات و شیطنت خود، کاری کنند که بعضی از اعضای این دولت، از مجلس رأی نیاورند و دولت ناقص بیرون



بیاید. دشمن در تبلیغات خود، شیوه‌ها و شگردهای عجیبی دارد. باید خیلی هوشیار بود تا کسی فریب این تبلیغات را نخورد. خوشبختانه، نمایندگان شما در مجلس شورای اسلامی، این هوشیاری را بخرج دادند و با رشد و هوشیاری، به صورت کامل و بدون این که بگذارند حتی یک وزارتخانه، یک روز بدون وزیر بماند، به این دولت رأی اعتماد دادند و وزرا را دنبال مأموریت‌هایشان فرستادند.

الان، ما یک دولت قوی و خوب، آن هم تحت ریاست یک شخصیت محبوب شناخته شده‌ی مورد اعتماد و اتکای امام و مورد قبول مردم داریم. بحمدالله انقلاب و ملت ما، سال‌های متمادی است که ایشان را می‌شناسد و به او اعتماد دارد. این اعتماد را هم، ملت ما نشان دادند.

اگر شما ایمان خود را در همان شکل گسترده‌یی که مطرح کردم، حفظ کنید - که البته حفظ می‌کنید - و اتحاد کلمه را نگه‌دارید - که البته نگه می‌دارید - و ان‌شاءالله پشتیبانی از این مسؤولان دلسوز و کارآمد را ادامه دهید، آینده‌ی بسیار روشن و امیدبخشی پیش روی ما خواهد بود و بدانید که دشمنان - امریکا و بقیه‌ی استکبارگران و قلدران - در مقابل چنین ملت و مسؤولانی، هیچ غلطي نمی‌توانند بکنند.

خداوند ان‌شاءالله به همه‌ی شما برادران و خواهران توفیق بدهد و مشمول فضل و رحمت خود گرداند. خواهش می‌کنم وقتی ان‌شاءالله به سلامتی به شهر خود برگشتید، سلام من را به همشهریها و برادران و خواهران مسلمان خوبمان در آن مناطق برسانید. امیدوارم خداوند تأیید خود را نسبت به شما ملت عزیز و قهرمان، همواره رو به ازدیاد قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته